

حضرت ادیب و حضرت علی قبل اکبر علیهما بهاء الله الابهی

الله ابهی

اینها الخادمان لميثاق الله از قرار اخبار در آن نقطه و سائر نقاط در بین احبّاء الله اختلاف حاصل و این اختلاف اسباب نفاق و شقاق گشته و اختلاف در حقّ این عبد بوده هر یک بحسب ادراک و مشرب خویش بیانی مینماید و حال آنکه کل باید ادراک و تصوّر خود را فراموش نمایند و آنچه از این قلم صادر من دون تأویل و تفسیر قبول نمایند و قلب را بآن انوار بیارایند و مشامرا بنفحه معانی این حدیقه حقیقت معطر فرمایند و مذاقرا از شهد بیان این خامه شیرین کنند و کل متمسک بصریح عبارت شوند و حرفی زیاده و نقصان ننمایند تا کل در ظلّ کلمه توحید محشور گردند و از ماء معین تفرید بنوشند و حصن حصین امر الله محفوظ ماند و بنیان کلمه الله بلند گردد و اگر چنانچه در میان احبّاء اختلاف در مسئلهئی حاصل گردد طرفین سکوت نمایند و استفسار از این عبد نمایند و با یکدیگر نهایت محبت را ملاحظه کنند تا جواب برسد و آنچه جواب داده شود طرفین اذعان کنند تا رفع اختلاف شود خلاصه اینست مطلب که این عبد از بدو طفولیت در مهد عبودیت نشو و نما نموده و از ندی محویت شیر خورده و در آغوش رقیّت پرورش یافته یعنی بندگی جمال قدم در پوست و گوشت و استخوان این عبد امتزاج یافته و بمثابه روح در بدن گشته نهایت آمال و آرزوی این عبد تحقق عبودیت صرفه محضه بحث بات جمال ابهی در جمیع عوالم غیب و شهود است و بهیچ مرتبهئی یعنی وصفی و نعنی و ستایشی و مقامی و شأنی و کمالی و خداوندی و ربوبیت این عبودیت را تبدیل ننمایم و روی این عبد بنور عبودیت در ملکوت ابهی روشن است و تارک این حقیر بافسر بندگی جمال قدم مزین فوالله الذی لا اله الا هو نفحه عبودیت روح حیات این عبد است و این قلب بهیچ نسیمی اهتزاز نیابد مگر بیوی خوش جانبخش بندگی جمال قدم هذا روحی و ریحانی و عزّی و شأنی و افق مبینی و نور جبینی و مقام علیّینی و منتها آمالی و غایه مقصدی لهذا باید جمیع احبّاء این مقام را از برای این عبد اثبات نمایند تا سبب مسرّت قلب این عبد گردند و علّت اتّفاق کلمه ع